

حریم خصوصی بین همسران: عرصه تعاملات و تعارضات

فرشته میرخشتی*

چکیده

مقاله حاضر به بررسی حریم خصوصی بین همسران ایرانی اختصاص دارد. با توجه به این که موضوع حریم خصوصی در میان زوجین در ایران تاحدی ناشناخته مانده و نظریات ابراز شده در این مورد به صراحت بیان نشده است، لذا تحقیق در این باره ضروری به نظر می‌رسد. به ویژه آن که این تحقیق بر آن است تا تأثیر حریم خصوصی در رابطه همسران را مشخص کند. تحقیق حاضر پیرامون جایگاه و کارکردهای حریم خصوصی شکل گرفته است. چهارچوب نظری بر مبنای نظریه تعامل‌گرایی، به عنوان گرایشی نظری در جامعه‌شناسی، مبتنی شده است و بر کنش و واکنش میان افراد و گروه‌ها تأکید دارد. در این پژوهش، از روش تحقیق کیفی (نظریه مبنایی) استفاده شده و روش گردآوری اطلاعات بر اساس مصاحبه عمیق و مشاهده (۵۰ مورد) بوده است. یافته‌ها حاکی از آن است که همه افراد حریم دارند. گستره این حریم وسیع است و تلفن همراه، میزکار، مسائل مالی، خانواده، گذشته، ارزش‌ها، باورها، خاطرات فرد، و ... را دربر می‌گیرد. حریم امری نسبی است. حریم ریشه در باورهای فرد دارد. مهم‌تر این که حریم خصوصی عرصه تعاملات و تعارضات بین همسران است و چگونگی آن به دو عامل بستگی دارد: میزان نفوذپذیری و یا نفوذناپذیری حریم خصوصی که پیامد نهایی آن به یکی از دو الگوی ابراز صمیمیت، اعتماد، و امنیت از یک سو و عدم صمیمیت، بی‌اعتمادی، و احساس ناامنی از سوی دیگر در رابطه می‌انجامد. در این صورت است که رابطه‌ها به سمت آرامش و تداوم یا تشنج و تخریب پیش خواهند رفت.

کلیدواژه‌ها: حریم خصوصی، رابطه بین همسران، تعاملات/تعارضات، صمیمیت، اعتماد بین همسران.

* کارشناس مسئول امور پژوهشی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی fereshmir@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۶

۱. مقدمه

ثبات و سلامت خانواده برای جامعه و رابطه میان همسران اهمیت به‌سزایی دارد. یکی از مسائلی که در تحقیقات متعدد در رابطه همسران با یکدیگر با اهمیت تشخیص داده شده احترام به حریم خصوصی (privacy) است. همسران، در کنار زندگی زناشویی مشترک، فضای ذهنی خصوصی هم دارند. آن‌ها می‌توانند آن فضای خصوصی را با هم به اشتراک بگذارند یا نگذارند. مشکل از این‌جا ناشی می‌شود که مرزهای امور به مشارکت گذاشته شده چندان مشخص نیست و در نتیجه کشمکش بر سر مرزها می‌تواند ریشه بسیاری از مشکلات و اختلافات بین همسران باشد.

از این رو، به‌رغم آگاهی از اهمیت رعایت حریم خصوصی در رابطه همسران و اظهارات شفاهی افراد مبنی بر اهمیت آن در رابطه زوجین، مؤلفه‌ها و نمودهای رفتاری رعایت حریم خصوصی یا به‌اصطلاح مرزها به‌وضوح شناسایی نشده‌اند؛ ضمن این‌که شماری از افراد اظهار می‌دارند که در بین زن و شوهر حریم خصوصی وجود ندارد یا نباید وجود داشته باشد. با این حال تقریباً در همه موارد، همسران به‌نوعی در رابطه زناشویی برای خود حریم قائل می‌شوند، هرچند با واژگان دیگری غیر از «حریم خصوصی» بیان شده باشد.

نظر به این‌که در جامعه ایران هنوز این موضوع برای بسیاری ناشناخته است و اظهارات درباره حریم خصوصی همسران به‌طور صریح بیان نمی‌شود، لذا تعداد تحقیقات انجام‌شده درباره حریم خصوصی بسیار اندک است. این شرایط در عمل طیف وسیعی از عوامل و عناصر را دربر می‌گیرد. عرصه‌هایی از قبیل اموال خصوصی، ارتباطات خصوصی مانند عضویت در مجامع و گروه‌ها، افکار خصوصی، خاطرات گذشته، تصمیمات خصوصی یا شاخص‌های ملموسی نظیر تلفن همراه، کیف، حساب پس‌انداز، میزان درآمد و مخارج، ارتباطات با اعضای فامیل، انتخاب دوستان و ارتباط با آن‌ها، انتخاب پوشش، انتخاب مطلب برای مطالعه، ارتباط با همکاران اداری، رفت و آمدها، و مواردی از این نوع می‌توانند مصادیقی از حریم خصوصی باشند. با این حال، نمی‌توان مصداق‌ها و مؤلفه‌های آن را در رابطه زوجین از قبل مشخص کرد؛ زیرا این موضوع امری نسبی و متأثر از نگرش‌ها، باورها، و گرایش‌هاست. دقیقاً به همین علت، تحقیق درباره آن ضروری است تا بتوان مؤلفه‌های حریم خصوصی را در میان همسران دریافت و با مفهوم‌پردازی و مقوله‌پردازی انواع و ابعاد آن را شناخت.

با توجه به این زمینه‌ها و نیازها سؤالات اصلی تحقیق، یا به تعبیر دیگر مسئله اصلی تحقیق، عبارت‌اند از:

۱. آیا در بین همسران در تهران بزرگ حریم خصوصی (به صورت عرفی و نانوشته) وجود دارد؟

۲. در صورت تقبل آن در رابطه زناشویی، همسران برای حریم خصوصی چه ویژگی‌هایی قائل‌اند؟ آن را چگونه تعریف می‌کنند؟

۳. چنین حریمی در روابط روزمره عرصه چه نوع تعاملاتی است؟ همچنین به‌طور ضمنی تأثیر رعایت یا عدم رعایت حریم خصوصی در زندگی همسران چیست و طرفین آن را چگونه تلقی می‌کنند؟

در این تحقیق از روش کیفی به صورت عام و نظریه‌مبنایی (grounded theory method) به صورت خاص استفاده شده است.

۲. پیشینه تحقیق

مروری بر پیشینه تحقیق حاکی از آن است که تحقیقات بسیار اندکی درباره حریم خصوصی انجام شده است. ذیلاً به ذکر مواردی از موضوع‌هایی که به‌نوعی به مفهوم حریم خصوصی مرتبط است می‌پردازیم.

درست است که همسران قرار است در زمینه‌های مختلف زندگی با هم شریک و سهیم باشند و با هم بودن و با هم تصمیم‌گرفتن لذت‌بخش است، اما اگر مشارکت از حدی بگذرد و یکی از طرفین سعی کند دیگری را محدود کند، وی ممکن است احساس کند زندانی شده است. زندانی در هر صورت زندانی است، ولو این‌که در آن زندان همه اصول استاندارد رعایت شده باشد. لذا احترام به حریم هم‌دیگر در زندگی مشترک یک اصل به‌شمار می‌رود. این مختصر جوهر همان نکته‌ای است که عام و خاص آن را حریم خصوصی در بین همسران می‌نامند. در اهمیت حریم خصوصی همین بس که رعایت آن از مهم‌ترین عوامل ثبات رابطه است و رعایت نکردن آن باعث مشکلات و اختلافات زیادی در بین همسران می‌شود.

به‌زعم کلاود و تاون‌سند، حد و مرز در زندگی زناشویی شبیه نقشه‌ای است که مرزها در آن مشخص شده‌اند. چنین مرزهایی در بین همسران هم وجود دارد. به نظر آن‌ها، اگرچه عوامل گوناگونی در ایجاد و حفظ عشق مؤثرند، اما مهم‌ترین عامل وجود حد و

مرز است. اگر حد و مرزها مشخص نشوند یا به هر علتی شکسته شوند، زندگی مشترک هم دچار آسیب می‌شود. به عبارت دیگر رعایت حد و مرزها فقط ضامن حفظ عشق نیست، بلکه برای آن‌که صمیمیت ایجاد و شکوفا شود نیز باید حد و مرز وجود داشته باشد (۱۳۹۰: ۲۲).

بررسی تحقیقات انجام‌شده حاکی از آن است که موضوع حریم خصوصی کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته و عمدتاً این موضوع در قالب کنترل کردن همسر، سلطه، و محدود کردن آزادی همسر مطرح شده است. این مقوله به‌طور غیر مستقیم با بازی قدرت در خانواده تداخل پیدا می‌کند. در هر صورت چنین بحثی به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم در بین افراد و متفکران وجود دارد. به قول برناردز (Bernardes) در روابط خانوادگی نوعی قدرت نامرئی وجود دارد که معمولاً نادیده گرفته می‌شود و چه‌بسا که دارنده این قدرت نامرئی به آزار طرف مقابل می‌پردازد. کنترل همسر و سلب آزادی او بخشی از زیرپا نهادن مقوله حریم خصوصی یا مصادیقی از آن است (1997).

با در نظر گرفتن اهمیت حریم خصوصی در جامعه مدرن، رابطه بین تکنولوژی و حریم خصوصی به موضوعی مهم تبدیل می‌شود. این رابطه از دهه ۱۸۹۰ مورد توجه بوده است، ولی متفکران در نیمه دوم قرن بیستم بیشتر به این موضوع پرداخته‌اند. به روایت فریدوالد (Friedewald)، راجر کلارک (۱۹۹۷) اولین کسی بود که انواع حریم خصوصی را که عبارت بودند از: حریم شخصی، حریم اطلاعات، حریم رفتارها، و حریم ارتباطات عنوان کرد (2013). بعدها فریدوالد هفت نوع حریم خصوصی را به قرار ذیل شناسایی کرد:

۱. حریم شخصی شامل کارکردها و ویژگی‌های جسمی؛
۲. حریم رفتارها و اعمال شامل موضوعات حساس مثل رفتارهای جنسی، عادات، فعالیت‌های سیاسی، و اعمال مذهبی؛
۳. حریم ارتباطات شامل اجتناب از دخالت در ارتباطات از قبیل نامه، تلفن، گذاشتن میکروفون، دسترسی به ایمیل، و غیره؛
۴. حریم داده‌ها و تصاویر شامل اطلاعاتی درباره فقدان دسترسی دیگران به اطلاعاتی درباره فرد و استفاده از آن داده‌ها؛
۵. حریم افکار و احساسات، بدین معنا که مردم بتوانند هرچه را که می‌خواهند فکر و احساس کنند محفوظ بدارند؛

۶. حریم فضا و مکان، بدین معنا که افراد حق داشته باشند در محل‌های عمومی و نیمه‌عمومی، بدون شناخته‌شدن و مورد توجه قرارگرفتن، حرکت کنند؛

۷. حریم سازمان‌ها و انجمن‌ها، یعنی این‌که افراد حق داشته باشند با هر گروه و سازمانی که دوست دارند، بدون دخالت دیگران، حشر و نشر داشته باشند.

به زعم مؤلفین کتاب *زندگی مشترک و حد و مرزهایش*، «به ما یاد نمی‌دهند حد و مرز تعیین کنیم، بلکه یادمان می‌دهند تسلیم حد و مرز دیگران شویم. قانون احترام به این معناست که اگر دوست داریم دیگران به حد و مرز ما احترام بگذارند، ما هم باید به حدود آن‌ها احترام بگذاریم. نمی‌توانیم بدون رعایت حریم دیگران، از آن‌ها انتظار داشته باشیم حریم ما را رعایت کنند. قانون احترام رشددهنده عشق است. معنای دوست‌داشتن همسر این است که برای او آزادی انتخاب قائل شوید و از او حمایت کنید. به این معناست که از این خواسته بگذرید که او از چشم شما دنیا را ببیند و از این‌که او فکر، ارزش‌ها، و احساس‌های خود را دارد سپاسگزار باشید» (کلاود و تاوون‌سند، ۱۳۹۰: ۵۹). حد و مرز مناسب این امکان را می‌دهد که همسران بتوانند به اندازه کافی از یکدیگر فاصله بگیرند و به کسب تجربه‌های شخصی خود بپردازند. چنین رابطه شفافی شرایطی را به‌وجود می‌آورد که نسبت به هم‌دیگر واکنشی برخورد نکنند. چنین وضعی کمک می‌کند که با هم‌دیگر برخورد همدلانه داشته باشند. «یکی از علل اصلی دعوای و سوءتفاهمات ما همین است که اجازه نمی‌دهیم فرد دیگر تجربه‌های خودش را داشته باشد؛ زیرا توان پذیرش تفاوت‌های همسر بخش مهمی از حد و مرز در زندگی مشترک است» (همان: ۱۲۷).

همسران به سه روش از وظایف همسری (زن و شوهری) و از جمله حریم یکدیگر آگاه می‌شوند: فرهنگ جامعه، الگوبرداری از والدین، و کنش متقابل با هم‌دیگر. به همین سبب، علاوه بر این‌که حد و مرز بین همسران ابعاد وسیعی دارد، همین ابعاد الزاماً برای همه به‌طور یکسان بااهمیت نیست. مثلاً تحقیقاتی درباره هنگ‌کنگ نشان می‌دهد که برای مردم آنجا تنهایی مهم‌ترین بُعد حریم خصوصی است. از نظر مردم هنگ‌کنگ، که یک شهر چینی با ویژگی‌های غربی است، عناصر کلیدی حریم خصوصی عبارت‌اند از: تنهایی، خودداری، و حریم خانگی (Pik-chu, 2013). خلاصه این‌که توان دیدن شخص دیگر، به عنوان وجودی جدا و متمایز از خود، مستلزم پذیرش حد و مرز بسیار مشخصی است. پذیرش شخص در جایگاه خود یکی از جنبه‌های بسیار لذت‌بخش در رابطه بین همسرانی است که با هم رشد کرده‌اند (کلاود و تاوون‌سند، ۱۳۹۰: ۱۳۱).

در ایران نیز حریم خصوصی بین همسران کمتر به طور مستقیم مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع، به علت داشتن ابعاد گوناگون، در قالب‌ها و عبارات مختلفی بیان می‌شود. مثل: فضاهای مختلف برای زن و مرد، احترام به سلیقه‌ها و خواسته‌ها، داشتن اختیارات، گیر دادن، و پيله کردن.

تنها مقاله چاپ شده درباره حریم خصوصی مقاله‌ای است از سیدابوالقاسم نقیبی با عنوان «حریم خصوصی در مناسبات و روابط اعضای خانواده» که با استناد به آیات، روایات، و آرای فقها لزوم رعایت حریم خصوصی در آن پیشنهاد شده است. این استنادات را می‌توان به منزله دستوراتی برای منع تجسس، منع غیبت، پرهیز از ظن و گمان، منع ورود به خانه کسی بدون اجازه، و پوشاندن چشم‌ها (منع نگاه‌های تجاوزگرانه) تفسیر کرد (نقیبی، ۱۳۸۹).

در ایران از نظر مذهبی زن می‌تواند مالک اموالش باشد و شوهر حق مداخله در آن را ندارد. اگر این حق رعایت نشود، می‌توان گفت حریم زن مورد تهاجم قرار گرفته یا حقتش پایمال شده است.

فقدان آشنایی با این تعریف و رعایت نکردن حریم‌ها در جامعه ما به علل متعدد بیشتر از جوامع غربی است. در واقع، زنان و مردان گمان می‌کنند ثبت شدن نام آن‌ها در شناسنامه دیگری کافی است و می‌پندارند که رعایت همین امر برای تداوم و استمرار یک زناشویی موفق کفایت می‌کند. در حالی که ثبت ازدواج در مراجع قانونی فقط رسمیت بخشیدن به زناشویی است و الزامی برای درک شدن و درک کردن هیچ‌یک از همسران به وجود نمی‌آورد (خواصی، ۱۳۹۲: ۱۶)

در جوامع زن‌ستیز جهان، این فضا از سوی مردسالاران در اندازه «هیچ» برای زنان تعریف و بر این باور پافشاری می‌شود که در زندگی زن شوهردار هیچ نکته و نقطه پوشیده و پنهانی برای شوهر نباید وجود داشته باشد. این در حالی است که در جوامعی که به برابری زن و مرد می‌اندیشند، برای زنان و شوهران اندازه‌ای از حریم خصوصی منطقی و منصفانه برشمرده می‌شود. بنابراین باید به پرسش درباره حریم خصوصی همسران در هر جامعه با توجه به ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی همان جامعه پاسخ داد (اوحدی، ۱۳۹۰).

۳. ملاحظات نظری

با ظهور مدرنیزاسیون و نوسازی و به همراه آن توسعه زندگی شهری و رشد توده‌ای شدن

اطلاعات، حریم خصوصی اهمیت بیشتری پیدا کرد؛ زیرا به همراه مدرنیزاسیون گرایش به فردگرایی نیز ظهور کرد. علاوه بر این، نگاه جدید به حریم خصوصی با تکنولوژی و رشد رسانه‌ها نیز مرتبط است. نوسازی وسایل ارتباطی و حمل و نقل و رشد سریع رسانه‌های جمعی، انزوای انسان‌ها از هم‌دیگر را کاهش داده است. لذا نیاز به محافظت گردش اطلاعات بیشتر احساس می‌شود.

۱.۳ حریم خصوصی

حریم خصوصی در رشته‌های مختلف معانی متفاوتی به خود می‌گیرد. بعضی بر انزواگرایی (isolation)، تنهایی، و اجتناب از تعامل اجتماعی و بعضی دیگر بر قابلیت دسترسی شخصی تأکید می‌کنند (Pedersen, 1979). گاهی حریم به پوشیدگی یا محدود ساختن دسترسی دیگران به جسم و روان شخص از جمله رؤیاهای، تخیلات، افکار، و عقاید او اطلاق می‌شود (پورافکاری، ۱۳۷۳: ۱۱۷۵).

این واژه از ریشه حرم می‌آید، یعنی فضا قائل شدن برای هر چیزی. معمولاً هر حریمی به وسیله مرزهایی مشخص می‌شود. مرز پدیده‌ای عینی و قابل درک است که با قرارداد مشخص می‌شود. قراردادی که هر یک از افراد حدود آن را با در نظر گرفتن برخی ملاحظات تعیین می‌کنند و لاقبل امیدوارند که هم خود و هم دیگران به آن پایبند بمانند (خواصی، ۱۳۹۲: ۱۳).

در لغت‌نامه دهخدا، حریم خصوصی، به عنوان اسم، عنوان شده است: اول به معنی حالت یا وضعیت آزادبودن از دیده شدن و مورد مزاحمت قرار گرفتن توسط دیگران و دوم به معنی حالت آزادبودن از توجه عموم. در فرهنگ وبستر نیز به دو معنی آمده است: ۱. کیفیت یا حالت دوربودن از افراد، نداشتن همراه، یا مورد مشاهده نبودن و ۲. رها بودن از دخالت‌های بدون اجازه (1990).

خلاصه این‌که حریم خصوصی مفهومی است برای کنترل مرزهای شخصی و چون حد و مرز قطعی آن مشخص نیست و در افراد متفاوت است، پس محدوده آن می‌تواند بر حسب انتظارات و تعاریف فرد از حریم متفاوت باشد.

حریم خصوصی در بین همسران با «اسرار خانواده» متفاوت است. اسرار خانواده به موضوعاتی دلالت دارد که در خانواده، به عنوان واحدی مستقل، اتفاق می‌افتد و اعضای خانواده ملزم به حفظ آن اسرار در درون خود هستند. در چنین دیدی از حریم خصوصی،

واحد خانواده مد نظر است، در حالی که موضوع حریم خصوصی بین همسران جدا از خانواده به عنوان واحد بررسی است. در چنین حالتی زن یا شوهر می‌تواند با اعضای خانواده یا حتی افراد خارج از خانواده ارتباط داشته باشد. مثل این که زن یا شوهر با افراد فامیل خود یا با یکی از فرزندانش رابطه دوستی خاصی داشته باشد یا با دوستان خویش در بیرون از خانه رابطه‌ای داشته باشد که آن را حریم خصوصی خود بشمارد و نخواهد که همسرش در آن دخالت کند یا اطلاعی داشته باشد.

از حریم خصوصی تعریف مشخص وجود ندارد و در عمل حریم به نگهداری مرزهای خاص و به دور از مزاحمت اطلاق می‌شود. وستین (Westin) برای اولین بار ابعاد مختلف حریم خصوصی را ارائه کرد که عبارت بودند از: ۱. داشتن خلوت (solitude): تنهایی و دیده‌نشدن از سوی سایر افراد، ۲. صمیمیت (intimacy): داشتن رابطه نزدیک با افراد یا گروه‌ها که از سایر افراد و گروه‌ها دور باشند، ۳. گمنامی (anonymity): ناشناس بودن در محل‌های عمومی و داشتن حق ناشناخته‌ماندن، و ۴. خویشنداری یا توداری (reserve): شامل محافظت از اطلاعات شخصی، داشتن مرزهای روانی، و دور بودن از مزاحمت دیگران (به نقل از Pik-chu, 2013: 454).

پدرسن (Pedersen)، در تحقیقی بسیار مفصل، چهار بُعد حریم خصوصی را کشف کرد که بسیار شبیه به یافته‌های وستین است. آن چهار بُعد عبارت‌اند از: خودداری، انزوا، رابطه صمیمانه با خانواده و دوستان، و گمنامی.

باتوجه به ابعاد حریم که بحث شد، وستین (به نقل از Pik-chu, 2013) کارکردهای حریم خصوصی را شامل موارد ذیل می‌داند:

۱. استقلال فردی از قبیل برخورد با موضوعات مهم متکی بر استقلال فردی و هویت از دید خود فرد؛

۲. رهایی از احساسات و عواطف مثل اجازه‌دادن به افراد که از محدوده نقش‌های اجتماعی رها شوند؛

۳. خودارزیابی بدین معنی که فرد بتواند برنامه‌ها و اعمال آینده‌اش را طبق تجاربش ارزیابی کند؛

۴. ارتباطات محدود و محافظت‌شده، به گونه‌ای که بتواند با افراد و گروه‌هایی که دوست دارد به تنهایی ملاقات کند.

بعضی‌ها فکر می‌کنند که حریم خصوصی فقط دو جنبه مهم دارد: حریم مورد علاقه و

حریم کسب شده. اولی به میزان حریمی دلالت می‌کند که فرد دوست دارد داشته باشد و دومی به میزانی دلالت می‌کند که فرد در عمل دارد (Altman, 1976).

با در نظر گرفتن چهار زمینه فوق (خلوت، صمیمیت، گمنامی، خودداری) حریم خصوصی، به معنی محرمانه ماندن اطلاعات شخصی، فقط بخش بسیار کوچکی از حریم را شامل می‌شود. همان‌طور که خواهیم دید حریم خصوصی انواع گوناگون دارد و طیف وسیعی را دربرمی‌گیرد، اما این که کدام بعد در چه شرایطی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند بستگی به اوضاع و شرایط دارد.

بعضی‌ها معتقدند که حریم خصوصی بر دو نوع ایدئال و واقعی تقسیم می‌شود: ایدئال آن است که فرد می‌خواهد درباره‌اش مراعات شود و واقعی آن است که در عمل درباره‌اش مراعات می‌شود. اگر این دو باهم برابر باشند، شرایط دلخواه فرد کسب شده است. اگر تناسبی بین میزان حریم خصوصی مراعات شده و میزان مورد دلخواه و دریافت شده وجود نداشته باشد، تنش ایجاد می‌شود (به نقل از Altman, 1976; Pik-chu, 2013). خلاصه این که حریم خصوصی روندی است که به اداره کردن مرزهای شخصی مربوط می‌شود، چون امری پویا و فعال است و طبق شرایط و مطابق زمان تغییر می‌کند. لذا چگونگی آن در شرایط و زمان خاص نیازمند تحقیق است.

از آن‌جا که مطالعه حاضر یک تحقیق اکتشافی است، از پیش نمی‌توان با قاطعیت گفت که در چهارچوب چه نظریه‌ای یافته‌ها تعبیر خواهند شد. اما از آن‌جا که حریم خصوصی عمدتاً در حوزه تعامل همسران با یکدیگر است، بدین معنی که واحد تجزیه و تحلیل در تحقیق حاضر نیز درباره روابط همسران و عناصر تشکیل دهنده آن است، از این رو می‌توان گفت که تعبیر و تفسیر یافته‌های این تحقیق بنا به طبیعت موضوع عمدتاً در چهارچوب تعامل‌گرایی (interactionism) صورت خواهد گرفت. تعامل‌گرایی گرایشی نظری در جامعه‌شناسی است که بر کنش و واکنش افراد و گروه‌ها نسبت به هم‌دیگر تکیه دارد. در این چهارچوب انتظارات و تأثیرات افراد روی هم‌دیگر، و نه واکنش افراد به حوادث غیر شخصی و خارج از حوزه روابط، به عنوان اطلاعات اصلی تحقیق مورد توجه قرار می‌گیرد. در این دیدگاه به رغم پذیرش نظم اجتماعی و فرهنگ جامعه، در نهایت کنشگران هستند که جوهر جامعه را تشکیل می‌دهند و ضمن کنش مشترک است که نظام معنایی به وجود می‌آید، لذا لازم است که از نشانه‌های رفتاری آشکار از آن‌چه که در سر کنشگران می‌گذرد و نحوه تعبیر آن‌ها از مفاهیم دست یافت.

۴. ملاحظات روش شناختی

تحقیق حاضر عمدتاً تلفیقی از توصیف و تبیین است، لذا این بررسی اساساً مبتنی بر روش کیفی است که با این گونه مطالعات سنخیت دارد. در میان روش های کیفی، بیشترین استفاده از روش نظریه مبنایی شده است (استراس و کوربین، ۱۳۸۷).

نظریه مبنایی، به قول استراس و کوربین، عبارت است از «آنچه که به طور استقرایی از مطالعه پدیده ای به دست آید و نمایانگر آن پدیده است. به عبارت دیگر آن را باید کشف و کامل کرد» (۱۳۸۷: ۲۲).

روش گردآوری اطلاعات عمدتاً به صورت مصاحبه عمیق، مشاهده، و تا حدی مشاهده مشارکتی است که در صورت لزوم در بعضی مواقع از یک راهنمای مصاحبه و مشاهده با چند سؤال کلی نیز استفاده می شود. راهنمای مصاحبه به صورت کلی شامل سؤالات ذیل بوده است:

- به نظر شما حریم خصوصی چیست؟

- چه مواردی جزو حریم خصوصی شماست؟ در مورد همسران چه مواردی؟

- آیا همسران حریم شما را رعایت می کند؟ شما درباره همسران چطور؟

- آیا مسائل مربوط به حریم خصوصی رابطه شما را تحت تأثیر قرار داده است؟

داده ها و اطلاعات در این تحقیق شامل همه مواردی است که در ضمن مصاحبه یا مشاهده به دست آمده است. البته گاهی در مصاحبه ها آن چه افراد می گفتند، با آن چه شاهد بودیم کاملاً متفاوت بود. در نتیجه مشاهده روابط در متن زندگی افراد حقایق گویاتری را در اختیار محقق قرار می داد. به طور مثال:

در خانه دوستم بودم و دیدم که خانم ادعا دارد که حریم همسرش را رعایت می کند و به او احترام می گذارد، اما وقتی مادرش تلفن می کند و شوهرش برای راحت بودن به اطاق دیگر می رود تا صحبت کند؛ خانم همه هوش و حواسش به دنبال مکالمه همسرش با مادر خود است. واکنش او بعد از اتمام مکالمه نیز دیدنی است. وقتی شوهرش را می بیند، می گوید: دستوراتش را بهت داد؟ فتنه هایش را به پا کرد؟ و با همین دو کلمه یک اعلام جنگ یک ماهه را می دهد.

نمونه گیری به صورت نمونه گیری مفهومی است که در روش های تحقیق کیفی به کار گرفته می شود. بنابراین در آن، جامعه آماری یا نمونه آماری وجود ندارد. در پژوهش حاضر، قلمرو تحقیق تهران بزرگ و طول مدت آن سال ۱۳۹۲ است.

۵. داده‌ها و یافته‌ها

۱.۵ ویژگی‌های حریم خصوصی در میان همسران

پس از گردآوری اطلاعات، در راستای نیاز روش تحقیق کیفی، داده‌ها در مراحل مختلف سازماندهی و تا حد ممکن مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی شد. آنچه در ذیل آمده است یافته‌های مبتنی بر متن مصاحبه‌ها، یادداشت‌ها، و مشاهدات هستند. ابتدا ویژگی‌های کلی حریم خصوصی بین همسران را در قالب مفاهیمی بیان می‌کنیم و بعد به حریم خصوصی به عنوان عرصه تعاملات، اعتماد سازی، صمیمیت، و برخورد ارزش‌ها و باورها می‌پردازیم.

۶. یافته‌های کلی

یافته‌های حریم خصوصی بین همسران به‌طور خلاصه شامل موارد ذیل است:

- همه افراد حریم دارند. حریم امری نسبی و گستره آن وسیع است؛
- حریم ریشه در باورهای فرد دارد. افراد بر اساس باورهایشان^۱ در ذهن خود حریمی مشخص می‌کنند؛
- میزان نفوذپذیری حریم افراد متفاوت است. افراد نسبت به حریم خصوصی خود حساسیت‌های متفاوتی نشان می‌دهند و میزان تساهل آن‌ها، نسبت به دخالت‌های اطرافیان، متفاوت است. اصولاً همان‌طور که دامنه حوزه حریم متفاوت است، میزان سختی مرزها نیز متفاوت است. این عامل را می‌توان میزان نفوذپذیری نامید.
- حال با در نظر گرفتن یافته‌های کلی، به یافته‌های مربوط به حریم به عنوان عرصه تعاملات می‌پردازیم.

حریم خصوصی به منزله عرصه تعاملات، اعتمادسازی، صمیمیت، و برخورد ارزش‌ها و باورها: در سطحی وسیع می‌توان عنوان کرد که حریم خصوصی بیانی از تعاملات بین همسران است. نگاه دقیق‌تر به داده‌ها نشان می‌دهد که چگونه حریم عرصه ابراز صمیمیت، اعتماد، و احساس ایمنی بین همسران است. تلاش بر سر کسب احساسات مثبت در نزدیک‌ترین رابطه، رابطه زناشویی، حفظ حریم و ضرورت آن را به پدیده‌ای مهم در زندگی زناشویی تبدیل می‌کند. البته عکس آن نیز صادق است؛ بدین معنا که وقتی اعتماد در رابطه رنگ می‌بازد و صمیمیت جای خود را به احساسات منفی می‌دهد، احساس ناایمنی غلبه می‌کند. در این صورت موضوع حریم خصوصی بین

همسران جلوه‌گاه احساساتی می‌شود که نتیجه آن نارضایتی از زندگی زناشویی است. حال این دو مقوله را جداگانه بررسی می‌کنیم:

حریم و احساس اعتماد و بی‌اعتمادی: قبلاً گفته شد که اندازه حریم و میزان نفوذپذیری افراد متفاوت است و آنان که حریم بزرگ‌تری دارند، معمولاً حریم‌شان نفوذناپذیرتر است. در حالتی که فرد حریمی نفوذناپذیر دارد و به همسرش اجازه نمی‌دهد که به آن نفوذ کند، بی‌اعتمادی بین آنان ایجاد می‌شود و این امر به نوبه خود به فقدان صمیمیت می‌انجامد. مثال:

مرد: حریم شخصی یعنی آنچه که مربوط به من است. از کمد لباس گرفته تا حساب بانکی، وسایل شخصی. از لباس گرفته تا شامپو و صابون و کرم. مسائل مالی ربطی به خانم ندارد. پول بخواهد به او می‌دهم.

زن: شوهر من حریم شخصی بزرگی دارد. کمد مدارک او همیشه قفل بوده، حساب‌های بانکی او مربوط به خودش بوده، او همیشه یک اتاق مخصوص خودش داشته و یک اتاق هم که مشترک و مال هر دوی ما بوده است. در اتاق شخصی او همه چیز مربوط به اوست و من را از ابتدای زندگی عادت داده که به اتاق و وسایل آن اتاق کاری نداشته و بی‌تفاوت باشم. من تا چند سال پیش همه چیزم رو بود و او می‌دانست. چند سالی است که بچه‌ها بزرگ شده‌اند. مسائل مالی من جدا شده است و او خبر ندارد. پس‌انداز مربوط به خودم را دارم و بعضی مسائل مربوط به خانواده را گاهی پنهان می‌کنم و به او نمی‌گویم، چون او بیشتر مسائل را پنهان می‌کند. من هم با خودم گفتم چرا من این قدر شفاف باشم. او قدر این شفافیت را نمی‌داند. من هم از او مخفی می‌کنم.

این مثال، به عنوان نمونه‌ای از موارد فراوان، نشان می‌دهد که چگونه حریم بزرگ‌تر به فقدان اعتماد می‌انجامد و سبب مخفی‌کاری می‌شود. صرف نظر از بستگی حریم خصوصی به ویژگی‌های شخصیتی یا به ارزش‌های فردی یا گروهی فرد، نفوذناپذیری حریم چنین خاصیتی دارد.

کسانی که می‌خواهند از حریم خود حفاظت کنند، فکر می‌کنند با در دست گرفتن کنترل بیشتر امنیت بیشتری خواهند داشت. در حالی که این کنترل و حفظ بیش از حد حریم بر روابط آن‌ها تأثیر مخرب خواهد گذاشت. مثال:

من زنی سازگار و آرام و همیشه از مخفی‌کاری او ناراحت بودم، گاهی هم اعتراض می‌کردم که چرا مرا نامحرم می‌دانی، چرا کمد مدارک تو قفل است، مگر من غریبه‌ام؟ او هم می‌گفت: این‌ها مسائل من است. تو هم هرچه بخواهی در حد توانم برایت فراهم

می‌کنم. احساس می‌کردم در زندگی او جایی ندارم. من او را محرم می‌دانستم، اما او مرا محرم نمی‌دانست. تا مدت‌ها این‌طور بود، اما حالا اوضاع تغییر کرده. من هم او را شناختم و سعی می‌کنم تا حدی رویه‌ام را عوض کنم. البته وقتی چیزی را از او مخفی می‌کنم، خودم ناراحت می‌شوم. فکر می‌کنم درست نیست. زن و شوهر باید با هم یکی باشند.

بعضی‌ها به حریم همسرشان وارد می‌شوند، اما این اجازه را به همسر خود نمی‌دهند. در چنین وضعیتی، حوزه حریم با حوزه اقتدار تداخل پیدا می‌کند. بدین ترتیب، چگونگی و وسعت حوزه حریم خصوصی نشانه‌ای از میزان قدرت در رابطه نیز هست. مثال:

در خانواده یکی از فامیل‌های ما، آقا حریمش بزرگ است. همه تصمیمات را می‌گیرد. از کانال تلویزیون گرفته تا خرید و فروش ملک. زن در خانه هیچ‌کاره است. اجازه همه امور به عهده شوهر است. مسائل شخصی زن از معاشرت‌ها تا کوچک‌ترین تصمیمات در خانه باید با اجازه و موافقت همسر انجام شود. هرگونه تخطی از این موضوع به منزله بی‌توجهی و بی‌احترامی به شوهر تلقی می‌شود. بزرگی حریم مرد نشانه‌ای از بزرگی حوزه قدرت بلامنازع او در خانه است.

در یک خانواده دیگر، خانم حریم بزرگی داشت و همه تصمیمات باید با توافق او انجام می‌شد. وی معتقد بود شوهرش هرگز نمی‌تواند تصمیمات درستی بگیرد و به او بی‌اعتماد بود. می‌گفت بگذارید من مدیریت کنم. سؤال و جواب نکنید و کاری به کارم نداشته باشید. من می‌دانم که چکار می‌کنم. تصمیمات من همواره باعث رشد و ترقی خانواده بوده است. من اجازه نمی‌دهم با ندانم‌کاری‌تان زندگی را خراب کنید.

در روابط مبتنی بر اعتماد و صمیمیت، حریم‌ها نفوذپذیرند. هرطرف به طرف مقابل اجازه ورود به حریم خویش را می‌دهد. همسرانی که به هم نزدیک‌اند و هم‌دیگر را دوست دارند معمولاً به هم اعتماد دارند و به یک‌دیگر احترام می‌گذارند. به نظر می‌رسد که اعتماد، صمیمیت، احساس امنیت، و رعایت حریم خصوصی در بین همسران مداری بسته است و فقدان آن‌ها هم یک مدار بسته دیگر و هرکدام بنا به طبیعت خود به‌نوعی با پدیده حریم ارتباط دارند. بدین معنی که مدار اعتماد، امنیت، و صمیمیت با حریم کوچک‌تر و نفوذپذیرتر همگون است و برعکس مدار فقدان اعتماد، امنیت، و صمیمیت با حریم بزرگ‌تر و نفوذناپذیرتر همخوانی دارد. از این رابطه دوسویه می‌توان دو سنخ از رابطه همسران؛ یعنی روابط توأم با آرامش و روابط توأم با تشنج را شناسایی کرد. مثال:

حساب بانکی و مسائل مالی ما یکی است. ما با هم راحت هستیم. خلوت من، مثلاً مطالعه،

فیلم دیدن، و امثال آن حریم من است و او به آن احترام می‌گذارد. صمیمیت، احترام، و این قبیل رفتارها باعث شده که حریم ما کوچک باشد. گذشته همسر حریم اوست. در مورد مسائل مالی و حقوقی کنجکاوی و مسئله‌ای نداریم. در مورد روابط و معاشرت‌ها و تصمیماتش گاهی به او توصیه می‌کنم. حالت توصیه‌ای دارد، نه تحکمی. او هم پذیراست. مثال بالا نشان‌دهنده صمیمیت در رابطه و حاکی از اعتماد زوجین نسبت به هم است. اعتمادی که باعث صمیمیت، احترام، و درک متقابل شده است. چنین رابطه‌ای را می‌توان **رابطه دموکراتیک** نامید که امروزه به واژه‌ای معمول برای توصیف روابط صمیمانه و همیاری بین همسران تبدیل شده است.

همسران بدون حریم: مرد یا زن مصاحبه‌شونده ممکن است ادعا کند که با همسرش حریم ندارد. آن‌ها اغلب می‌گویند: ما حریم نداریم. اما اگر با همسرشان صحبت کنیم، معمولاً متوجه می‌شویم که دارند. مثال:

مرد: من و همسر هم چیزمان مشترک است. او همه حساب و درآمدهای مرا می‌داند. من هم از درآمدهای او مطلع هستم.

زن: این‌طور که او می‌گوید نیست. من همه درآمدها و حساب‌های او را نمی‌دانم. او از من مخفی می‌کند. همه را نمی‌گوید. همیشه می‌گوید پول ندارم، در صورتی که می‌دانم راست نمی‌گوید. از زمانی که متوجه شدم او بعضی مسائل را مخفی می‌کند، من هم پس‌اندازهایم را از او مخفی می‌کنم. چون اگر به او بگویم، می‌خواهد آن را از من بگیرد.

از این مثال‌ها چنین برمی‌آید که اولاً اظهارات فردی ممکن است کلی‌گویی یا اصلاً صحت نداشته باشد. ثانیاً اطلاعات بهتر موقعی کسب می‌شود که با هر دو طرف صحبت شود، به ویژه وقتی که اطلاعات با مشاهده نیز تأیید شده باشد.

حریم و باور: حریم مفهومی ذهنی است که ابتدا فقط در باور افراد ریشه دارد، اما شکل‌گیری باورها در ذهن افراد به مرور زمان و بر اساس سه منبع تجربه شخصی، اطلاعات حاصل از دیگران، و استنتاج صورت می‌گیرد.

همه افراد در زندگی زناشویی پیش‌فرض‌هایی در ذهن خود دارند که ممکن است حاصل مشاهده زندگی اطرافیان یا نتیجه تجربیات خود از زندگی مشترکشان باشد. رعایت حریم زناشویی به عنوان یک قانون، هرچند نانوشته، مانند رعایت هر قانون دیگری ضروری است و نادیده گرفتن آن به روابط بین زن و مرد آسیب می‌رساند. بدون شک، قوانین زناشویی مانند هر قانون دیگری از عرف‌ها، سنت‌ها، و هنجارهای جامعه تأثیرپذیر

است. با این حال، هر زوجی می‌تواند برای خود قوانین متعددی وضع و حریم زناشویی خویش را طبق نظر شخصی تعریف کند. بدیهی است این قوانین به تعداد زوج‌ها متغیر و متنوع خواهد بود و هر زن و مردی آن را بنا به نیازها و باورهای خود سازماندهی می‌کند. افراد مختلف به زمینه‌های متنوعی به عنوان حریم خصوصی اهمیت می‌دهند، مثلاً عده‌ای عمدتاً خاطرات را حریم خود می‌دانند یا افرادی نظم خانه، وسایل شخصی، و امکانات مالی را حریم مهم‌تری تلقی می‌کنند. این زمینه در بین همسران متفاوت است. به مثال ذیل توجه کنید:

داشتن فضایی در خانه که بتوانم وسایلم را در آنجا نگهدارم که فقط خودم دسترسی داشته باشم و دیگری به آن دست نزند، مثل کمده‌ی که طلا و پول و حساب بانکی خودم توی آن باشد و شوهرم دست نزند. ماشین من حریم من است. دوست ندارم به حریم من وارد شود. پول و طلا حریم اصلی من است. دوست ندارم پولم را یا طلاهایم را بدانند. دوست ندارم حسابی روی آن باز کنند. یکی از مسائلی که او دارد این است که یک بچه از ازدواج قبلی خود دارد و من باید حواسم به خودم و مالم باشد. یک اندوخته‌ای برای خودم داشته باشم. من خیلی شفاف نمی‌توانم با او باشم، چون ممکن است سوءاستفاده کند. او نمی‌خواهد وارد حریم من شود، اما من خودم مراقب هستم.

واضح است که در مثال فوق احتمال مورد سوءاستفاده قرار گرفتن به اقداماتی انجامیده است تا فرد از خود محافظت کند. در این رابطه اعتماد کافی وجود ندارد. فرد می‌خواهد از نظر مالی، توانمندی و قدرت خود را تحکیم کند. باور او این است که امکانات مالی من حریم من است و باید از آن محافظت کنم. هرگونه تعرضی به امکانات مالی برای او تهدید محسوب می‌شود و تجاوز به حریم خصوصی اوست. و حال آن‌که فردی دیگر ممکن است به آزادی خود بیش از مادیات اهمیت دهد. در واقع آزادی نیاز اصلی اوست؛ یعنی داشتن حق انتخاب و هر مانعی می‌تواند حریم خصوصی او را تهدید کند. باور به این‌که اعتقادات و باورهایم شخصی است و هیچ‌کس، حتی همسر من نیز، حق اظهار نظر و مداخله ندارد. در مثال زیر که از قول زنی درباره‌ی شوهرش نقل شده به‌روشنی منعکس است:

او باورهای خودش را دارد. و اصولاً انتقاد یا پیشنهادی را نمی‌پذیرد. اگر بخواهیم به مهمانی برویم و من از او بخواهم متناسب با آن مهمانی لباس بپوشد، به‌شدت واکنش نشان می‌دهد و مرا از کرده‌ام پشیمان می‌کند. یک‌بار به او گفتم که فلان لباس را بپوشد. نه تنها عصبانی شد، بلکه آن لباس را تکه‌تکه کرد و به من گفت دیگر در مسائلم دخالت نکنم. او خودش هم در امور من دخالت نمی‌کند و هرگز به من پیشنهادی نمی‌دهد. وی به‌شدت

نفوذناپذیر است و توان شنیدن نظرات دیگران را ندارد. او دنیای خودش را دارد، نه کسی را به آن راه می‌دهد و نه می‌خواهد دنیای دیگران را بشناسد.

در مثالی دیگر:

زن: در مورد حقوق همسر سؤال نمی‌کنم. او هم نمی‌گوید. خودش به من گفته که دوست ندارم در مورد درآمد سؤال کنی. کیف پول و موبایل جزو حریم او هست. اما اگر شک کنم، چک می‌کنم. کامپیوتر هم جزو حریم اوست. اما من اگر شک کنم، چک می‌کنم. اخیراً هم شک کردم و چک کردم. حالا هم اینترنت را قطع کرده‌ام. او هم مقاومتی نکرد. اصولاً جرئت مقاومت ندارد. او چت می‌کرد و تا من می‌آمدم، خاموش می‌کرد. من هم اسباب خیانت را جمع کردم.

البته اظهارات مذکور ادعای خانم است و معلوم نیست که شک او تا چه حد بر پایه واقعیت‌ها بوده است اما به باور او، باید مراقب بود و همه چیز را تحت کنترل داشت تا جلوی خیانت‌های احتمالی گرفته شود. این مثال، که نمونه‌های آن در بین مصاحبه‌ها بسیار تکرار شده است، نشان از این باور دارد که: همه مسائل باید تحت کنترل من باشد. دیگری قابل اعتماد نیست و به اندازه من تعهد و مسئولیت احساس نمی‌کند، پس می‌تواند رابطه را خراب کند. این باورها ریشه در شخصیت و تجربیات افراد دارد و می‌تواند تخریب‌کننده رابطه‌ها باشد.

ممکن است نوع تعریف از حریم زناشویی در مورد زن و مردی که برای بار دوم ازدواج می‌کنند با حریمی که برای ازدواج اول خود مشخص کرده بودند، کاملاً متفاوت باشد. زیرا قطعاً تجربه‌هایی که افراد در طول زندگی به دست می‌آورند، بر باورها و نگرش‌هایشان تأثیرگذار خواهد بود و در نهایت، همین امر موجب تغییر ساختار و حریم زناشویی آن‌ها در ازدواج‌های بعدی خواهد شد (خواصی، ۱۳۹۲: ۲۸). به مثال ذیل توجه کنید:

من و همسر دو سال است که با هم زندگی می‌کنیم. یک فرزند داریم. هر دو شاغلم و زندگی را با هم می‌چرخانیم. ما با هم خیلی راحتیم. او همسر دوم من است. همسر اولم بسیار حساس، نکته‌سنج، و کنترل‌گر بود. احساس می‌کردم تحت نظر او هستم. برای همه چیز باید دلیل قانع‌کننده داشتم. همواره تلاش می‌کردم رضایت او را جلب کنم، تلاشی بی‌حاصل! ما از هم جدا شدیم. من از ازدواج تجربه بدی پیدا کردم و تا مدت‌ها از آن فرار می‌کردم، تا زمانی که با همسر دومم آشنا شدم. تجربه رابطه با او بسیار متفاوت بود. او به مسائل خصوصی، به گذشته و جزئیات کارم، همکاری‌ها، ارتباطاتم،

مویایلم، حقوقم، و... کاری نداشت. او اصلاً اهل کنترل کردن نبود. مرا تحت نظر نداشت. با او نیازی به توضیح اضافه نبود. ارزش‌ها و باورهای ما با هم هماهنگ بود. این بود که توانستم دوباره به ازدواج فکر کنم و ...

برای رسیدن به حریم زناشویی موفق لازم است بین افکار، آرمان‌ها، و باورهای زن و مرد هماهنگی برقرار باشد و هر دو طرف باید و نبایدهای تقریباً یکسانی داشته باشند تا زندگی تداوم پیدا کند.

حریم زناشویی یک مفهوم زنده و پویاست و کارکرد آن برای هر زوج با دیگری متفاوت است. دادن آموزش و آگاهی به افراد و پیروی نکردن از باورهای نادرست به ارتقای فرهنگ زناشویی کمک می‌کند و به تبع آن سطح فرهنگ اجتماعی جامعه نیز بالاتر می‌رود (خواصی، ۱۳۹۲: ۲۹).

۷. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهد حریم خصوصی عبارت است از: احساس نیاز به ملاحظه‌موردی مانند وسایل و امکانات شخصی؛ فضا و خلوت شخصی؛ خاطرات، افکار، و ارزش‌های شخصی؛ روابط شخصی؛ و فعالیت‌ها و برنامه‌های شخصی در روابط زناشویی. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات وستین (Westin)، پدرسن (Pederson)، و فریدوالد (Friedewald) نیز هماهنگ است. گفتنی است بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان، وسایلی مثل تلفن همراه الزاماً به معنای حریم خصوصی نیست، بلکه احساس این که تلفن همراه فرد حریم (وسیله شخصی) اوست و هیچ‌یک از همسران نباید بدون اجازه یا اطلاع دیگری به آن دست بزنند و محترم‌شمردن این خواسته است که به منزله رعایت بخشی از «حریم خصوصی بین همسران» در نظر گرفته می‌شود. با این که به غلط در اذهان عمومی از نشانه‌ها و مواردی که برای طرفین مهم است به عنوان مصادیق حریم خصوصی یاد می‌شود، اما در واقع نیاز به ملاحظه‌کردن و ملاحظه‌شدن آن نشانه‌هاست که پدیده حریم خصوصی تلقی می‌شود و نه خود آن نشانه‌ها.

حریم خصوصی عمدتاً مفهومی شهری است که آن هم از غرب وارد ایران شده است. حریم خصوصی در جوامع سنتی یا وجود ندارد یا بسیار محدود است. در زندگی خانوادگی روستایی حریم خصوصی، چه در میان همسران و چه در کل، کم‌رنگ است. در فرهنگ‌های اروپایی حریم خصوصی در زندگی اصل به‌شمار می‌رود. این قبیل امور در

حافظه جمعی معنا پیدا می‌کنند و بیانی از ارزش‌ها هستند که نوعی از روابط اجتماعی را شکل می‌دهند. درحقیقت حریم خصوصی نوعی تأکید و حساسیت اجتماعی هم هست. حریم عرصه‌ای است که فردیت در آن تحقق پیدا می‌کند.

با این‌که چگونگی حریم خصوصی بین همسران در جریان کنش و واکنش متقابل تعریف می‌شود، اما باید توجه داشت تعاملات روزمره - به رغم تنوع کنش و واکنش‌هایی که ممکن است رخ دهد - در خلأ صورت نمی‌گیرد. همسران قبل از ورود به روابط زناشویی تصورات و توقعاتی از طرف مقابل دارند که بر اساس باورها و اعتقادات آن‌ها شکل گرفته است. این عوامل را می‌توان عوامل زمینه‌ای نامید که با آن‌که از ابعاد شخصیت افراد به‌شمار می‌روند، در عین حال تحت تأثیر فرهنگ جامعه به‌طور کل هم قرار می‌گیرند. زیرا درنهایت فرهنگ هر جامعه جزو منابع اصلی باورهای افراد محسوب می‌شود. به‌عبارتی، عوامل زمینه‌ای ترکیبی از عوامل شخصیتی و فرهنگی هستند و مطالعات قبلی نیز شناخت ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی جامعه را مورد تأکید قرار داده است (اوحدی، ۱۳۹۰).

با توجه به این تعریف، یافته‌های مقاله حاضر عبارت‌اند از: آموزه‌های فرهنگی، باور و نگرش‌های فردی، و همچنین اقدامات متناسب با آن آموزه‌ها و باورها. میزان نفوذپذیری، گستره حریم فرد، و میزان اعتماد و صمیمیت همسران تعاملات بین آنان را رقم می‌زنند. برای مثال، زن و شوهری را در نظر بگیرید که تازه ازدواج کرده‌اند و می‌خواهند حریم خود را حفظ کنند. از طرف دیگر می‌خواهند حریم همسر را نیز بشناسند تا در صورت نیاز کنترل خود را اعمال کنند. البته نتیجه بستگی به این دارد که کنش و واکنش متقابل در بین آن‌ها چگونه صورت گیرد. تعامل بین همسران در محتوایی ایجاد می‌شود که قبلاً شکل گرفته است. میزان اعتماد و صمیمیت که در ابتدا به میزانی وجود داشت، بعدها بر اثر تعامل ممکن است افزایش یا کاهش یابد. آموزه‌های فرهنگی و باورها و ارزش‌ها نیز که سهم تعیین‌کننده‌ای دارند در همین چهارچوب‌ها معتبرند.

۸. نتیجه‌گیری

نتیجه‌نهایی این تعاملات پیامدی است که در رابطه حاصل می‌شود. وقتی تعامل بین همسران صورت می‌گیرد، رابطه آن‌ها به سوی رضایت از زندگی زناشویی یا عدم رضایت سوق پیدا می‌کند. این پیامد ممکن است روی شرایط اثر بگذارد. بنابراین پیامدها ممکن است در بعضی موارد به شرایط تبدیل شوند و بر توالی تعامل بعدی مؤثر باشند.

خلاصه این که در جامعه سنتی ایران در گذشته موضوع حریم خصوصی مطرح نبود. با این که همسران به طور سنتی ملاحظاتی مانند احترام به حریم و حد و مرز یکدیگر را در نظر می گرفتند، اما این کار در مجموع چیزی بیش از رعایت هنجارهای سنتی نبود. توجه به حریم خصوصی در کل و حریم خصوصی بین همسران بالأخص موضوعی جدید است که با ورود مدرنیسم در ایران باب شد. در این دیدگاه، فردیت و اهمیت دادن به فرد و حریم او جزو اصول است. با درک ضرورت مفهوم حریم، همسران از هم دیگر انتظار دارند که طرف مقابلشان حریم خصوصی او را محترم بشمارد. این که چه چیزهایی می تواند حریم خصوصی به شمار رود در روندی طولانی تعریف می شود، اما میزان و چگونگی مراعات آن در تعاملات روزمره با توجه به باورها، تنوع آموزه های فرهنگی، و تنوع شخصیت ها متفاوت می شود. در روند کنش و واکنش های متقابل بین همسران است که دو موضوع مشخص می شود: اولاً حریم خصوصی هر کدام شامل چه چیزهایی است و ثانیاً هر چه فرد بیشتر مواظب حریم خود باشد، تا به اصطلاح همسرش در آن وارد نشود، می گوئیم حریم آن فرد نفوذناپذیر است. چگونگی این دو عامل به عوامل گوناگون دیگری مانند میزان صمیمیت، علاقه و اعتماد بین همسران، و روابط خانوادگی هر یک با خانواده خود بستگی دارد. در نهایت، همسران با الهام از گذشته و با تأثیرپذیری از محیط خود در جریان تعاملات روزمره به تعریفی از حریم خصوصی می رسند و میزان ضرورت رعایت آن را برای طرف مقابل مشخص می کنند و چگونگی روابط خود را در زندگی زناشویی رقم می زنند.

تحقیق حاضر می تواند شروعی برای تحقیقات بعدی باشد. حریم خصوصی را می توان از ابعاد مختلفی بررسی کرد. ابعادی مانند سن، جنس، طبقه اجتماعی، فرهنگ، و قومیت. با توجه به نقش مهمی که حریم خصوصی در زندگی همسران ایفا می کند، ضروری است در ابتدای رابطه و قبل از ازدواج به دقت به بررسی درباره آن پرداخت و با شناخت دقیق حریم خصوصی و همچنین رعایت حد و مرزهای یکدیگر رابطه ای امن و توأم با آرامش برای خانواده ایجاد کرد.

پی نوشت

۱. بنابر تعریف کرچ و کرچفیلد، باور (belief) عبارت است از: سازمانی با ثبات از ادراک و شناختی نسبی درباره جنبه خاصی از دنیای فرد (روشبلانو و بورونیون، ۱۳۷۱: ۱۲۴). بر اساس نتیجه گیری

روان‌شناسان اجتماعی، سه منبع اصلی باورها عبارت‌اند از: تجربه شخصی، اطلاعات حاصل از دیگران، و استنتاج (بدار و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۲).

منابع

- استراس، آنسلم، و جولیت کوربین (۱۳۸۷). *اصول روش تحقیق کیفی*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اوحدی، بهنام (۱۳۹۰). «حریم خصوصی همسر و فرزندان»، *روزنامه شرق*، ش ۱۳۵۷.
- بدار، لوک، ژوزه دزیل، و لوک لامارش (۱۳۸۹). *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه حمزه گنجی، تهران: ساوالان.
- پورافکاری، نصرت‌اله (۱۳۷۳). *فرهنگ جامع روان‌شناسی و روان‌پزشکی*، تهران: فرهنگ معاصر.
- خواصی، لیلا (۱۳۹۲). *معنای حریم همسران در ازدواج‌های موفق*، تهران: قطره.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*، تهران: زوار.
- روشبلو، آن ماری، و ادیل بورونیون (۱۳۷۱). *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه سیده‌محمد دادگران، تهران: مروارید.
- کلاود، هنری، و جان تاون‌سند (۱۳۹۰). *زندگی مشترک و حد و مرزهایش*، ترجمه فرنز فرود، تهران: صابرین.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- محمدی، بیوک (۱۳۹۰). *زنان سلطه‌جو و مردان سلطه‌پذیر*، تهران: واژه‌آرا.
- نقیبی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). «حریم خصوصی در روابط اعضای خانواده»، *ندای صادق*، ش ۵۲.

- Altman, Irwin (1976). 'Privacy: A Conceptual Analysis', *Environment and Behavior*, 8:1.
- Bernardes, Jon (1997). *Family Studies: An Introduction*, Routledge, London.
- Friedewald, Michael (2013). 'Seven Types of Privacy', available at: http://works.bepress.com/Michael_friedewald/60.
- Pedersen, D. M. (1979). 'Dimensions of Privacy', *Perceptual and Motor Skills*, Vol. 48.
- Pik-chu, Tse. (2013). 'Privacy in the Family', at: *International Handbook of Chinese Families*, Chan Kwok-bun (ed.), New York: Springer.
- Webster's Ninth New Collegiate Dictionary (1990).
- Westin, A. (1967). *Privacy and Freedom*, New York: Athenum.